

«آرمان ملی» از سفر نتانیاهو

به آمریکاگزارش می دهد

ترامپ وبازی دوباره نتانیاهو

آرمان ملی - **عماد موحد**: زمانی که بازگشت ترامپ به کاخ سفید قطعی شد، شاید هیچ کس در دنیا به اندازه نتانیاهو خوشحال نشد. خوشحالی نتانیاهو احتمالاً به این دلیل بود که با شناختی که از دور اول ریاست جمهوری ترامپ به دست آورده بود می دانست که می تواند با او بازی کند و یا او را تحت اختیار خود بگیرد. در هر دو جنگ تجاوزکارانه آمریکا با ایران، نتانیاهو نقش اصلی را ایفا کرده است. او قبل از جنگ ۱۲ روزه به آمریکا سفر کرد و اطلاعاتی رابه ترامپ منتقل کرد تا از او اجازه حمله به ایران را دریافت کند. درست است که رژیم صهیونیستی تلاش می کند خود را مستقل از آمریکا نشان دهد اما بر کسی پوشیده نیست که تا مغز استخوان به آمریکا وابسته است و بدون حمایت همه جانبه آمریکا نمی تواند در این منطقه امنیت داشته باشد. نتانیاهو توانست مجوز حمله به ایران را از ترامپ بگیرد اما نتیجهای که در دست آمد، بسیار متفاوت از اهداف تعیین شده صهیونیست ها بود. بعد از التهابات اجتماعی دردی ماه، نتانیاهو دوباره به آمریکا رفت و اطلاعات دیگری به ترامپ داد. او در جلسه پیش از جنگ ۴۰ روزه و چند تماس مهم بعد از اغتشاشات دی با این ادعا که وضعیت اجتماعی - اقتصادی ایران شکننده بوده و با ترور راس، تشدید آتش و برخی اقدامات دیگر امکان سقوط ایران در دسترس است، اقدام کرد.

وضعیت جدید منطقه

سفر بنیامین نتانیاهو به واشنگتن در مقطعی حساس از تحولات خاورمیانه انجام می شود؛ زمانی که پرونده ایران، آینده جنگ غزه، وضعیت لبنان، فعال شدن حوثی ها در یمن و رقابت قدرت ها در منطقه، بار دیگر به مهم ترین در غده های سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده اند. نتانیاهو در این سفر دنبال آن است که حمایت دونالد ترامپ را برای ادامه سیاست های امنیتی خود جلب کند، اما در مقابل با تزاممی روبه رو می شود که احتمالاً با دفعات قبل متفاوت خواهد بود. شرایط منطقه و اتفاقات اخیر و رفتار کشورهای عربی با قبل تفاوت روشنی دارد و ترامپ در پیگیری منویات نتانیاهو آزادی عمل قبل را ندارد. احتمالاً مهم ترین موضوعی که نتانیاهو در دیدار با ترامپ مطرح می کند، به ایران مربوط است. با وجود دو جنگ و اتفاقات مهیب در منطقه، برای اسرائیل کوچکترین آرامش خاطری ایجاد نشده است. هیچ کدام از برنامه های امنیتی آنها در منطقه به نتیجه نرسیده است و از این رو احتمال اینکه ترامپ بخواهد تمام و کمال و صرفاً به دلیل پرونده اسیستین به نتانیاهو همراهی کند، بعید است. در حالی که به گونه ای متناوب موضوع مذاکره بین ایران و آمریکا در فضای خبری منتشر می شود، نتانیاهو در هراس از نزدیک شدن دو کشور و کاهش تنش، معتقد است هرگونه توافق میان تهران و واشنگتن باید فراتر از پرونده هسته ای باشد. نتانیاهو کتمان نخواهد کرد که موشک ها و شبکه متحدان ایران در منطقه خواب را از او گرفته است. نگرانی اصلی نتانیاهو این است که ترامپ پس از افزایش فشارهای سیاسی و نظامی علیه ایران، به سمت یک توافق سریع حرکت کند؛ توافقی که شاید از نگاه واشنگتن یک موفقیت دیپلماتیک محسوب شود، اما اسرائیل آن را ناکافی بداند. نتانیاهو تلاش خواهد کرد ترامپ را متقاعد کند که کاهش فشار بر تهران تنها زمانی انجام شود که تضمین های قابل قبولی برای امنیت اسرائیل ایجاد شده باشد.

ترامپ و رویاهای نتانیاهو

در سوی دیگر ماجرا همچنان پرونده غزه حل نشده باقی مانده است و احتمالاً این پرونده نیز بخشی از مذاکرات دو طرف خواهد بود. نتانیاهو و ریگسولا شمی می کند نشان دهد که ادامه عملیات نظامی برای تأمین امنیت اسرائیل ضروری است، اما از سوی دیگر با فشارهای داخلی و خارجی برای پایان دادن به جنگ روبه رو است. ترامپ نیز که همواره بر شعار «پایان دادن به جنگ ها» تأکید کرده، علاقه مند است بحران های منطقه ای را به سمت توافق یا آتش بس هدایت کند. همین تفاوت دیدگاه می تواند یکی از نقاط اصطکاک باشد. برای نتانیاهو، مسئله فقط امنیت نیست؛ آینده سیاسی او نیز به تحولات منطقه گره خورده است. پایان یافتن جنگ بدون دستیابی به دستاوردی که بتوان آن را پیروزی معرفی کرد، می تواند فشارهای سیاسی علیه او افزایش دهد. به همین دلیل، حمایت ترامپ برای او علاوه بر ارزش راهبردی، اهمیت داخلی نیز دارد. در جبهه شمالی، لبنان و حزب... نیز از موضوعات مورد بحث خواهد بود. اسرائیل نگران است که پس از تحولات اخیر، حزب... بار دیگر توان بازسازی قدرت نظامی خود را پیدا کند. نتانیاهو احتمالاً از ترامپ خواهد خواست سیاست آمریکا در منطقه همچنان بر مهار نفوذ ایران و گروه های نزدیک به تهران متمرکز بماند. با این حال، رابطه ترامپ و نتانیاهو تنها رابطه ای یک طرفه نیست. ترامپ نیز از نخست وزیر اسرائیل انتظارهایی دارد.

چهارشنبه

۰۷:۰۵ ●●● ۱۴:۰۵

۱۴ صفر ۱۴۴۸ / ۲۹ جولای ۲۰۲۶

سال هشتم

شماره ۲۴۳۸

armanmeli.ir

«آرمان ملی» دوگانه مذاکره یا جنگ در جامعه را بررسی می کند

تامین منافع ملی وامنیت ملی

◀ مهدی فضائی: رهبر انقلاب مانند رهبر شهید مذاکره را حرام نمی داند



رویکردی به صرفه و صلاح نشان می دهد. از طرفی طرفداران جنگ معتقدند که با جنگ می توانیم به منافع‌ی که برای خود تعریف کرده ایم برسیم و مثلاً از تنگه هرمز به عنوان همه از تصمیماتی که در سطوح عالیه نظام اتخاذ می شود چه جنگ باشد؛ چه مذاکره تبعیت و حمایت کرد چرا که هر دو رویکرد در مسیر منافع ملی اتخاذ می گردد و هر گونه تخریب و حمله به این تصمیمات و اقدامات عملاتخریب و نادیده گرفتن منافع ملی و بازی در زمین تعریف شده دشمنان است.

مذاکره یا جنگ

دو گانه «مذاکره، جنگ» همواره طی مقاطع مختلف مطرح بوده است و طرفداران هر دو رویکرد نظرات خاص خود را در خصوص لزوم دستور کار قرار دادن رویکرد مورد نظر مطرح کرده اند. آنها که مذاکره قرار داد تا با دسنی پر به مذاکره با طرف مقابل بروند. قدر مسلم اینکه اگر طرف مقابل نیز بداند که یک حاکمیت و ملت یکدست و یک صدا پشتیبان دیپلمات‌ای خود در هیات مذاکره کننده است با تدابیر و محاسبات دیگری وارد می شود و آنجا است که می توان از تکت تکت کارت های برنده به خوبی بهره برد. البته که آنچه گفته شد در باب طرفداران دو نظریه است. بخشی هم هستند که به نحوی کاسبان تنش،

آرمان ملی

باشد می جنگ. بستگی به رفتار دشمن و شرایطی دارد که بالاخره تصمیم گیری در آن شرایط انجام می شود. از این منظر آن جمله ای که سخنگوی محترم وزارت امور خارجه گفتند کاری که سیدعباس انجام می دهد همان کاری است که سیدمجید انجام می دهد از این جهت هر دو در جهت منافع ملی وامنیت ملی کشور تلاش می کنند. وی بیان کرد: اما بحث مذاکره و بحث انتقام؛ اولاً ما با دشمن بحث صلح به آن معنا نداریم بحث یک تفاهمی است که در یک شرایطی با اقتضانات انجام می شود و این مذاکرات و این تفاهم به این معنی نیست که قرار است مسائل ما با آمریکایی ها حل شود یا قرار است نگاه مبنایی آنها نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کند. آنها قرار است مثلاً نگاه مبنایشون عوض بشه نه آنها چنین ادعایی دارند و نه داشته باشند ما باور می کنیم و نه جمهوری اسلامی چنین ادعایی دارد که نگاهمان نسبت به رژیم صهیونیستی یا آمریکا می خواهد تغییر ماهوی پیدا کند. فضائی اظهار کرد: ما ماهیت دشمنان خود را ماهیت آمریکا و رژیم صهیونیستی را یک ماهیت جنایتکار و آنها را مستکبر، زیاده خواه و تمامیت خواه می دانیم که در جهت تأمین منافع نامشروع خود از ارتکاب هیچ جنایتی در حقیقت ایا ندارند و حاضرند برای اینکه منافع نامشروعشان تأمین شود هر جنایتی را انجام دهند. وی ادامه داد: طبیعتاً ما با چنین نظام هایی یک سازش مبنایی داشته باشیم ولی بر اساس معادلات بین المللی همه جای هست که شرایط پیش می آید که منافع خود را از مسیرهای دیگری دنبال نکنیم. لذا بحث مذاکره اولاً به معنای تغییر نگاه ما به دشمن نیست و ثانیاً اینکه هیچ ربطی به اهداف انقلاب ندارد. عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب تصریح کرد: به عبارتی ما با حفظ موضع با دشمن مذاکره می کنیم یعنی باید تقاص آن جنایتی که انجام دادند را پس بدهند و این تقاضا ممکن است یک اراده ای در دنیا این انتقام را انجام دهد. فضائی تأکید کرد: اگر که اقتضا کند و شرایط ما و منافع ما تأمین شود بحث تفاهم می تواند دنبال شود. منتها وقتی که دشمن این عهد شکنی ها را انجام می دهد شرایط را برای رسیدن به تفاهم سخت تر می کند.

تحریم و جنگ هستند و از این مسیر منافع و سودهایی برده اند. طبیعی که تحت هیچ شرایطی آنها از مسیر دیپلماسی و مذاکره استقبال نکنند؛ اما به هر روی قطعاً باید ابتدا و انتها منافع ملی در نظر گرفته شود.
منافع وامنیت ملی
◀ یک عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در خصوص شرایط کشور اظهار داشت: از نظر ما نه جنگ الزاماً مقدس است نه صلح آنچه که برای ما مقدس است است. گاهی امنیت و منافع ملی با صلح و گاهی با جنگ تحقق پیدا می کند کما اینکه ممکن است بعضی مذاکره را حرام بدانند ما مذاکره را حرام نمی دانیم. مهدی فضائی گفت: رهبر شهید هم چنین نگاهی نداشتند رهبر معظم انقلاب آیت... سیدمجتبی خامنه ای ایشان هم چنین نگاهی ندارند و همینطور جنگ طلبی هم در نظام جمهوری اسلامی موضوعیتی ندارد. وی افزود: رهبر شهید انقلاب حمله ماندگاری داشتند که ما جنگ طلب نیستیم ولی جنگ بلدیم. مردم ما نیز همین طور هستند. وی ادامه داد: جمهوری اسلامی برای تأمین منافع و امنیت ملی خود مثل همه کشورهای دیگر هرجالزوم باشد مذاکره می کند و هرجالزوم

می کند. صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

◀ **مدیریت بحران و تقویت تاب آوری**

فاطمه مهاجرانی در پاسخ به پرسش «آرمان ملی» در مورد اقدامات و برنامه های دولت در مدیریت بحران و تقویت تاب آوری اقتصادی واجتماعی جامعه اظهار کرد: دولت در تاریخ ۲۳ خرداد ماه، تشکیل جلسه داد و به کارگروه های چهارگانه، اختیارات لازم را اعطا نمود؛ این اختیارات شامل تفویض اختیار به وزرا، کارگروه ها و استانداران بود. از جمله اولویت های بسیار مهم دولت، حمایت همه جانبه از کسب وکارها در راستای تأمین اشتغال و حفظ پایداری آن است. وی به معنای دقیق صورت گرفته از سوی دولت برای تأمین کالاهای اساسی اقدامات شبکه تأمین اجتماعی به منظور پرداخت بیمه بیکاری و خدمات درمانی اشاره و تصریح کرد: دولت در پی تقویت تاب آوری اقتصادی واجتماعی است و کمیسون فرهنگی واجتماعی دولت نیز در حال بررسی دقیق موضوع تاب آوری اجتماعی است. وی با تأکید بر اینکه اصلاحات تدبیری در کشورمان یک ضرورت است، بیان کرد: اقتصاد ما نیازمند اصلاحات است. درآمد مردم باید به حد استاندارد برسد و قیمت ها نیز باید اصلاح شود. هنگامی که در خصوص موضوع «ترکیب تاب آوری اجتماعی» سخن می گوئیم، حمایت از اقشار کم درآمد، تربیت چوامه محلی و توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی، از جمله فعالیت هایی است که دولت در دست انجام دارد. دیدارهای منظم رئیس جمهور با نخبگان، نیز در همین راستا صورت می گیرد. در نهایت، در مورد مدیریت هوشمندانه بحران ها باید گفت که هر کشوری همواره با بحران های مختلفی روبه رو است؛ از ناراضی ها گرفته تا بحران هایی که دشمن به منظور ایجاد آشوب خلق می کند. استانداران ما در این زمینه، مدیریت و ابتکار عمل خوبی از خود نشان می دهند. هدف، افزایش گفت وگوهای ملی، ارتقای تاب آوری اجتماعی، ارتقای شفافیت و تقویت توان تحمل در شرایط شدید است. سخنگوی دولت در خصوص اقدام صدواسیمادر سانسور سخنان رئیس جمهور گفت: صدواسیما، رسانه جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین انتظار عمومی آن است که این رسانه به جمهوریت احترام بگذارد و در عین حال به اخلاق ومنش اسلامی پایبند باشد و در مسیر منافع و مصالح کشور عمل کند. مهاجرانی لازمه بازگشت مرجعیت رسانه ای را انجام گفتار و رفتار سنجیده و مسئولانه از سوی رسانه ملی دانست و اظهار داشت: لازم می دانم از تلاش ها و پیگیری های خبرنگاران و فعالان صدواسیمواشکر کنم. چرا که بسیاری از افراد در بدنه این مجموعه دلسوز و دغدغه مند هستند. اگرچه برخی سیاست های رسانه ای نباید به وحدت ملی آسیب بزنند، اما این به معنای آن نیست که بدنه دلسوز کشور را ندیده بگیریم، باید توجه کنیم که نباید اجازه داد افراد با رفتارهایی که برخلاف وحدت ملی عمل می کنند، به گونه ای تکرار شود که هم راستا با دشمن و در جهت اهداف آنان قرار گیرند. سخنگوی دولت هر رفتار با جهت گیری مخالف انسجام ملی را در راستای تحقق اهداف دشمن دانست و خاطرنشان کرد: معتقدیم برای روایت کامل، باید تمام ایران دیده شود؛ یعنی همه مردمان ایران، همه مناطق ایران و همه سلیقه های جامعه، امیدواریم اصلاحاتی از جنس رفتار بزرگان و رویکرد مسئولانه در رسانه ملی صورت گیرد.

با اینکه ایران توانایی گسترده ای در پاسخ به این عمل اوکراین در اختیار دارد اما احتمالاً در حال حاضر بر فعالیت های دیپلماتیک متمرکز می ماند و اگر این اتفاق دوباره تکرار شود، پاسخ ایران قطعاً خارج از تصور اوکراین خواهد بود. ایران از نظر نظامی توان گوشمالی دادن اوکراین را دارد و حتی اگر منظور اوکراین از این حمله قطع زنجیره تأمین حاصل برای ارتش روسیه هم باشد، نتیجه ای از آن برای رد ادعای اوکراینی ها در عین حال نمی توان احتمال انگرذاری صهیونیست ها را در نظر نگرفت. بعید نیست اوکراینی ها تحت تاثیر القانات رژیم صهیونیستی دست به چنین کاری زده باشند تا بخشی از تمرکز ایران به سوی دیگر بکشانند.

آخر پیشروی های تدریجی داشته است. بنابراین با نظر به کلیپ ها و تصاویر منتشر شده در فضای مجازی نمی توان گفت اوکراین برتری قاطع دارد. برتری روسیه در میدان نبرد موجب شد که اوکراین به استفاده از پهپادهای کوچک رو بیاورد تا عملیات را به عمق خاک روسیه بکشاند و در همین شرایطی را به روسیه وارد کند. با این وجود کفه ترازوی این نبرد هنوز به سمت روسیه بسیار سنگین تر است. سنگین تر بودن کفه ترازوی نبرد موجب می شود که اوکراین از هر راهی برای تضعیف ارتش روسیه استفاده کند. آیا حمله به کشتی ایرانی را باید در همین راستا دید؟ آیا اوکراین از توانایی نظامی ایران بی خبر است و نمی داند که ایران می تواند از خاک خود اوکراین را مورد حمله قرار دهد؟ آیا این حرکت اوکراین تلاشی برای گسترش دامنه نبرد به جبهه ها و میدان های دیگر بوده است؟ بعد از اولین حمله اوکراین به کشتی ایرانی، ژلنسکی اعلام کرد که این کشور به دو کشتی دیگر هم حمله کرده است. به گفته او این دو کشتی در حال انتقال سلاح و قطعات به روسیه بوده اند.

اهمیت مسیر کشتی

هادی حق شناس استاندار گیلان، در توضیح این ماجرا اظهار کرد که کشتی مورد نظر، یک کشتی تجاری بوده که از بندر آستراخان روسیه به سمت بندر انزلی حرکت می کرده و بار آن آهن بوده است. به عبارت روشن تر این کشتی هیچ محموله نظامی را حمل نمی کرده است. در مقابل، اوکراین اعلام کرده که هدف، کشتی ای بوده که در انتقال محموله های نظامی مرتبط با ایران برای روسیه نقش داشته است. ژلنسکی و چند مقام های امنیتی این کشور گفته اند کشتی حامل قطعات پهپاد و موشک یا دیگر تجهیزات نظامی بوده که برای پشتیبانی از ماشین جنگی روسیه حمل می شده است. سفیر اوکراین در اسرائیل نیز گفته است که محموله شامل اجزای پهپاد ها و موشک ها بوده، نه کالای غیرنظامی، اما دلایلی برای رد ادعای اوکراینی ها وجود دارد. مقامات کشورمان تأکید کرده اند که کشتی از بندر آستراخان روسیه حرکت کرده بود و در مسیر بندر انزلی قرار داشته است؛ یعنی در حال حرکت به سمت ایران بوده است، نه در مسیر رفت به روسیه.

آرمان ملی - **مرتضی خبازیان**: اوکراین به یک

کشتی ایرانی در دریای خزر حمله کرد و یک ملوان شهید و یک نفر دیگر مجروح شد. ایران بلافاصله واکنش نشان داد. هم کاردار موقت اوکراین را به وزارت خارجه احضار کرد تا مراتب اعتراض رسمی کشورمان را به اوکراین منتقل کند و هم سیدعباس عراقچی در گفت وگو با کاپا کالاس حق واکنش را برای ایران محفوظ دانست. با این حال سوال مهمی در این میان مطرح است؛ حمله اوکراین به کشتی در دریای خزر، با وجود فاصله زیادی که با میدان نبرد با روسیه دارد، با چه هدفی صورت گرفته است؟

هدف اوکراین

نبرد اوکراین که از ۴ سال پیش آغاز شده، دوره های اوج و فرود بسیار به خود دیده است. زمانی ارتش روسیه توانست تا نزدیکی کی یف پیش روی کند و در دوره ای اوکراینی ها توانستند ارتش روسیه را از مناطقی عقب برانند. در سوی دیگر حمایت های اروپایی ها تقریباً پیوسته ادامه داشته اما حمایت آمریکا در دوره بایدن با دوره ترامپ متفاوت بوده است. روشن است که در ارتش روسیه و اوکراین قابل مقایسه با هم نیستند اما آنچه که توانسته توازن نسبی در میدان نبرد پدید آورد، علاوه بر حمایت همه جانبه اروپا و آمریکا از اوکراین، به کارگیری روش های نبرد نامتوازن بوده است. در فضای مجازی تصاویر و فیلم هایی منتشر می شود که به نوعی نشان دهنده برتری اوکراین در میدان نبرد را القا می کند اما این تصاویر بیشتر از آنکه نشان دهنده برتری اوکراین باشد، نشان می دهد که در روایت سازی، اوکراین توانسته میدان روایت را از آن خود کند و گرنه در سطح راهبردی و درازتش هنوز هم قابل مقایسه با هم نیستند و روسیه از نظر کنترل سرزمین، توان تولید تجهیزات، ظرفیت بسیج نیرو و فرسایش طرف مقابل همچنان مزیت ها و برتری های قاطعی دارد. باید دانست که جمعیت و ذخیره نیروی انسانی روسیه بیشتر است، ظرفیت صنعتی و تولید مهمات آن بالاتر است، اقتصاد آن، با وجود تحریم ها، همچنان توان تأمین جنگی طولانی مدت را حفظ کرده است و علاوه بر اینها روسیه بخش هایی از خاک اوکراین را در کنترل دارد و در برخی محورهای نبرد طی ماه های